



په اروپا کی دمیشه افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

پاکستان مار زخم خورده ایست که بخودمیپیدجو بروستائیان افغان میتازد!

هالند، ۱۰ جولای ۲۰۱۱

طی چند هفته اخیر ولایات کنرها، ننگرهار، خوست و پکتیا مورد هجوم قوای مسلح پاکستان قرار گرفت. حداقل ۷۰۰ راکت فیر شده از طرف اردوی پاکستان ۵۰ کشته و ده ها زخمی برجا گذاشت. این اقدام پاکستان از چند لحاظ سوال برانگیز است:

- دولت پاکستان همیشه به شیوه تجاوز تحت پوشش توصل جسته و از طریق گماشتگان خویش یعنی گروه های مزدور کوشیده است سد ثبات و ترقی افغانستان شودیک حکومت تحت کنترول خود را در افغانستان ایجاد کند. در وضع کنونی این گروه ها عبارتند از حلقات رهبری طالبان، گروه حقانی و حزب اسلامی حکمتیار. پس چه چیز پاکستان را وادار ساخته تا به تجاوز تحت پوشش که از ده سال بدینسو جریان دارد، تجاوز علنی نظامی را بیفزاید؟
- دولت پاکستان بخوبی میداند که افغانها میتوانندبا دست خالی نیز از کشور خود دفاع کنند و بزرگترین اشغالگران را به فرار از کشورشان وادارند. از جانب دیگر حکام کنونی افغانستان را نیروهای آیساف و امریکایی نیز حمایت میکنند. بنابراین امکان تحقق رویای دیرین پاکستان که خط تحمیلی دیورند را از طریق نظامی تا متک توسعه بدهد به هیچصورت موجود نیست. پس چرا پاکستان با تجاوز علنی و بیشرمانه برقریه جات ما، به تنفر که مردم افغانستان از پالیسی خصمانه دولت پاکستان خود دارند، می افزاید؟
- در شرایط کنونی که نشنل عوامی پارٹی در حکومت ایالتی خیبر-پشتونخوا شرکت فعال دارد، حمله نظامیگران پاکستان از مناطق پشتون های آنطرف دیورند، بر مناطق پشتونهای اینطرف دیورند باعث شرمساری این حزب میگردد. چه رهبران این حزب اصلاً افغان اند و در زمانیکه در افغانستان پناهنده بودند، افغان بودن خود را نیز قبول داشتند. اگر اکنون خاموشی اختیار نموده اند شاید برای حفظ قدرت باشد. ولی دررگهای صفوف این حزب همان خون مردم کنرها، پکتیا، ننگرهار و خوست جریان دارد. تداوم تجاوز نظامی پاکستان بر افغانستان بدون شک صفوف نشنل عوامی پارٹی را خشمگین خواهد ساخت. درست است که پنجابیها پشتونها را شهروند درجه دوم میدانند ولی حتی از تصور خشم آنها وحشتزده میشوند. پس این ماجرا جویی نظامی پاکستان کدام هدف را تعقیب میکند؟
- یکی از پاسخهای ممکن به این سوال را میتوان در سراسیمگی ناشی از شکست سیاست دوپهلوی پاکستان در قبایل ایالات متحده دانست. امریکا از طریق توسعه دادن استخبارات خویش در مرزها و داخل پاکستان بدین حقیقت رسیده بود که دوست اصلی اردو و استخبارات پاکستان القاعده، طالبان، گروه حقانی، حکمتیار، لشکر طیبه و... است. با عملیات نابودسازی بن لادن امریکا آئینه تمام نما را در برابر رهبران پاکستان گرفته و روابط خویش را با هندنزدیکتر ساخت. از آنزمان تا کنون رهبران پاکستان بشکل هیستریک به فعالیت افتاده اند تا از طریق فشار امریکا را وادار به عقب نشینی و پذیرش دوستی پاکستان کنند. رفتن به چین و روسیه و اخراج مامورین CIA نتوانست به نتیجه دلخواه بیانجامد. اکنون پاکستان میکوشد با افزودن فشار بر ناخن افکار امریکا (برهمزدن شرایط خروج قوا) از طریق تشدید مینگذاری راه ها و عملیاتی انتحاری و ممانعت از خروج اموال صادراتی افغانها از بندر کراچی و غیره ایلات متحده را وادار به بازگشت بسوی خود سازد. حمله نظامی برقریه جات افغانستان نیز این هدف را دنبال میکند. پاکستان امیدوار بود افغانستان عمل بالمثل کند و پشتونهای دوطرف دیورند بجان هم بیافتند. خوشبختانه اینکار صورت نگرفت ولی به کشتار مردم بیگناه ما باید پایان داده شود. فشار دیپلماتیک کنونی بسیار غیرفعال و فاقد تحرک است. باید به شورای امنیت موسسه ملل متحد، اتحادیه اروپا، کنفرانس کشورهای اسلامی و غیره رسماً شکایت شود و از آنان برای ختم حملات پاکستان مطالبه اقدامات موثر گردد. هرگاه دیپلماسی ثمری بیارنیاورد راهی جز جنگ باقی نمیماند. به یقین میتوان گفت که افغانهای آنطرف دیورند جانب پاکستان را نخواهند گرفت.

کمینه حقوق بشر فارو

دیپانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ